

تاریخچه کاپیتولاسیون و بی‌آمدهای آن در ایران (قسمت دهم)

محمدعلی اختری^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سردفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه.

تاریخچه کاپیتولاسیون و پی آمدهای آن در ایران (قسمت دهم)

در شماره پیش، به سه مورد از جرایم ارتكابی آمریکائیان پس از تصویب قانون مصونیت اشاره کردیم، مبحث حاضر را با ذکر نمونه‌ای دیگر از این جرایم پی می‌گیریم:

۴ - از دیگر موارد و عواقب ذلت‌بار کاپیتولاسیون دوم، ماجرای شکایت یک پیمانکار ایرانی علیه یک شرکت آمریکایی است. یکی از قضات دادگستری به نام آقای محمد هدی می‌نویسد: « - پرونده شکایت یک پیمانکار ایرانی علیه یک شرکت آمریکایی در تهران به او ارجاع شده بود، شاکی ایرانی قبلاً از طریق حقوقی تقاضای تأمین دلیل کرده بود، ولی مدیر دفتر دادگاه بخش را به محل تأمین دلیل در شرکت برق منطقه‌ای فرح‌آباد خزانه راه نداده بودند، شاکی سپس شکایت کیفری کرده و بازپرس به پاسگاه ژاندارمری محل دستور معاینه محلی به هدایت شاکی داد. نمایندگان پیمانکار آمریکایی، مأموران ژاندارمری را نیز به محل راه نداده و می‌گویند که محوطه برق منطقه ممنوعه است و افراد غیرمجاز حق ورود به آنجا را ندارند شاکی بیچاره دوباره به بازپرس متوسل می‌شود و بازپرس مجدداً به ژاندارمری دستور معاینه محل را می‌دهد، اما مدیر شرکت آمریکایی دستور می‌دهد که ژاندارم‌ها را راه ندهند و به آنان اهانت می‌کند، ژاندارمری گزارش ماوقع را که مشتمل بر جرم مشهود است به بازپرس گزارش می‌کند،

بازپرس صورت جلسه وقوع جرم مشهود را به اطلاع معاون دادستان می‌رساند، ولی برخلاف سنت معمول و متعارف دادگستری، دادستان بازپرس را به شدت عمل متهم می‌کند و پرونده را از او گرفته و به بازپرس فوق العاده که سیاست را تشخیص می‌داد و آن را آلوده به قضاوت نمی‌کرد!! ارجاع داد و موضوع برای همیشه مسکوت ماند.^۱

۵ - در مباحث پیشین گفتیم که یکی از آثار و نتایج کاپیتولاسیون جدید کشته شدن حسنعلی منصور نخست وزیر وقت در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۴۳ بود در این خصوص مرحوم حاج مهدی عراقی از گروه فدائیان اسلام و از یاران امام خمینی در خاطرات خود نقل می‌کند: «از زمان مرحوم نواب (صفوی) فدائیان اسلام همیشه در این فکر بودیم که بتوانیم انتقام خون شهدا را بگیریم و این فکر در ما رشد پیدا کرد، تا اینکه به نهضتی که آیت الله خمینی به وجود آورده بود پیوستیم، بعد هم در رابطه با رفتن و تبعید آقای خمینی و مسأله کاپیتولاسیون تصمیم گرفتیم که این جرثومه کثیف «حسنعلی منصور» را از سر راه برداریم و خلاصه آنهایی که تیرهای ترکش استعمار در این مملکت هستند به حسابشان رسیدگی بشود، در دنباله این فکر بودیم که ما با آن سه برادر (مرحومان محمد بخارایی، مرتضی نیک‌نژاد، رضا صفار هرنندی)، ارتباط یافتیم و آنها از این جهت گوی سبقت را از ما ربودند و آمادگی خود را اعلام نمودند که ما حاضریم این عمل را انجام دهیم و این هم که شد (منظور، کشته شدن منصور است)، مرحوم شهید عراقی چند سطر بعد می‌گوید: اسلام برای هر کاری و هر حرکتی و هر چیزی به طور کلی حکمی دارد، یکی از احکامی که دارد مسأله در رابطه با

۱. محمد هدی، وقتی که پای یک شرکت آمریکایی در میان باشد، گیلان ما، سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۱، صص ۶۴، ۶۶، چاپ دایرةالمعارف ایران شناسی، تهران ۱۳۸۲، صص ۶۶۴ - ۶۶۵، به نقل از تاریخ حقوق ایران، پروفیسور سیدحسن امین.

مفسدین فی الارض است. مفسد فی الارض کسی است که در یک جامعه نسبت به حقوق آن جامعه خیانت بکند، تجاوز بکند و فساد در زمین ایجاد بکند. سه تا حکم درباره این (جرم) اسلام صادر کرده: یا باید تبعیدش کنند یا باید حبس ابد یا اینکه معدومش کنند، حکم اعدام باید درباره اش صادر شود، خوشبختانه حسنعلی منصور که یکی از مفسدین فی الارض بود با عمل جنایت آمیزی که انجام داد یعنی مسأله کاپیتولاسیون که یک روز شاه در کتاب «مأموریت برای وطنم» به عنوان افتخار نسبت به پدرش از او اسم می برد. «کاپیتولاسیون» بعد از سی و چند سال این افتخار به صورت دیگری تبدیل می شود یعنی مهرها عوض شد، آن روز اگر شوروی بود، امروز آمریکا می آید که ۱۷۰۰ مستشار آمریکایی را مصونیت می دهد و ترجیح می دهند اگر یک گروه بان آمریکایی یک استوار آمریکایی، مستشار آمریکایی، نسبت به نوامیس یکی از این امرای لشکر ما تجاوز کند این امیر بدبخت حق ندارد در این مملکت از او انتقام بگیرد و یا شکایت بکند، باید سوار ماشین بشود یا طیاره بنشیند برود آمریکا و در آنجا از دست این گروه بان شکایت بکند، این بود که بعد از نصایحی هم که مراجع عالی قدر به خصوص حضرت آیت الله خمینی کرد و اینها توجه نکردند و او را تبعیدش کردند ما به اینجا رسیدیم که باید او را (منصور) معدومش کنیم چون در مرحله اول که در اختیار ما نبود و در هر حال محکوم به اعدام شد و ما این اعدام را درباره اش صادر کردیم.^۱

مرحوم آیت الله شیخ محمد صادق صادقی گیوی معروف به آیت الله خلخالی ماجرا را چنین بیان می کند: «روز ۴ آبان ۱۳۴۲ حضرت امام در منزل خود واقع در یخچال قاضی (قم) نطقی پرهیجان و احساساتی علیه شاه و منصور ایراد کرد و حرکت آنها در تصویب مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران (را) به باد

انتقاد گرفت... منزل امام و کوچه‌های اطراف پر از مستمعین بود و اکثر طلاب با شنیدن نطق امام گریه می‌کردند، امام در نطق خود فرمود: «این مردک دست از کارهای خود برنداشته و استقلال قضایی ایران را بر باد داده است، اگر یک نفر ایرانی و یا سرهنگ و یا شاه ایران سگ آمریکایی را زیر کند، بازخواست دارد، ولی اگر آمریکایی بخواهد شاه ایران را زیر کند مواخذه ندارد»^۱

مرحوم خلخالی ادامه می‌دهد: او «حسنعلی منصور» دستور داده بود، امام خمینی را که در تهران و قیصریه تحت‌نظر بود به قم بفرستند تا چنین وانمود شود که او موجب آزادی امام شده است، اما همه اینها بهانه‌ای بیش نبود، زیرا او می‌خواست قانون اسارت بار کاپیتولاسیون یعنی مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران را دوباره به تصویب برساند و فاتحه استقلال قضایی ایران را بخواند و سرانجام شب‌هنگام آن را در مجلس فرمایشی به تصویب رساندند. وقتی که جریان را برای امام تعریف کردند ایشان نطق مهیج و پرشوری ایراد کرد که به دنبال آن پس از نه روز (۱۳ آبان ۴۳) به ترکیه تبعید شد - آنها گویا تصور می‌کردند به این وسیله - آب بر روی آتش ریخته‌اند ولی حقیقت، آتش زیر خاکستر در حال گسترش بود در ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۳ منصور را در جلوی بهارستان ترور کردند - ترورکنندگان از فدائیان اسلام به رهبری شهید صادق امانی بودند محمد بخارایی او را مستقیماً مورد هدف قرار داد - نیک‌نژاد و رضا صفارهرندی و سیدمهدی اندرزگو برای رد گم کردن تیراندازی کردند، البته سیدمهدی اندرزگو چند تیر نیز به طرف پیکر ترور شده، منصور شلیک نمود تا مطمئن شود که او را کشته‌اند.^۲ مرحوم خلخالی چنین ادامه می‌دهد: اسلحه‌ای که با آن منصور را کشتند، آقای سید ابوالفضل، تولیت آستان مقدسه قم آن را از

۱. آیت‌اله خلخالی، خاطرات، ج ۱، ص ۱۳۱، چاپ ۱۳۸۱.

۲. همان، صص ۱۶۱ - ۱۶، چاپ ششم، ۱۳۸۱، نشریه سایه تهران.

کریلا خریده بود، و آن پارابلوم را به آقای هاشمی رفسنجانی و آقای هاشمی آن را به مهدی عراقی و مهدی عراقی آن را به محمد بخارایی داده بود.^۱ و البته آنها تعداد دیگری اسلحه نیز داشتند که آنها را از یکی از اسلحه‌فروش‌های اصفهان تهیه کرده بودند، آقای احمد شهاب تیراندازی را به آنان یاد داده بود، آقای رضایی صبح زود آنها را به پشت مسگرآباد تهران می‌برد و آنها کدو را مورد هدف قرار می‌دادند و به این وسیله تیراندازی را یاد می‌گرفتند... حضرت امام می‌فرمود: ما در بورس بودیم و پیچ رادیو را می‌چرخانیدیم... از طریق رادیو شنیدیم که منصور را ترور کردند، رژیم ابتدا می‌خواست این قتل را به حضرت امام نسبت دهد ولی بعداً معلوم شد که فدائیان اسلام به اتفاق آقای انواری خدمت امام رسیده بودند و از ایشان اجازه می‌خواستند، امام در مرحله اول به آنها اجازه نداده بود و در مرحله دوم آنها را نهی کرده بود... با وجود اینکه امام اجازه نداده بود، اما آقای انواری به یاران گفته بود که قتل منصور یک امر لازم است و اگر شما می‌خواهید، اقدام کنید آنها هم رفتند و او را ترور کردند، البته چون آقای (شیخ جواد) فومنی معروف همان روزها از دنیا رفته بود فدائیان اسلام فرمان قتل منصور را به آقای فومنی نسبت می‌دادند. اسم آقای میلانی و دیگران را نیز می‌بردند ولی واقعیت همان بود که عرض کردم^۲ دکتر حسین خطیبی نوری نایب رئیس وقت مجلس شورای ملی به هنگام تصویب لایحه مصونیت آمریکاییان هم معتقد است که حسنعلی منصور بر سر این لایحه جان خود را از دست داد.^۳

آخرین نفری که درباره تجدید کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ اظهار نظر کرده، مؤلف کتاب گرانقدر تاریخ حقوق ایران است که اطلاعات جدیدی به ما می‌دهد، آقای پروفسور حسن امین مؤلف آن می‌نویسد: «گسترش همکاری‌های نظامی -

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۳. دکتر حسین خطیبی، رنج رایگان، ص ۳۱۲.

سیاسی - اقتصادی - صنعتی - تجاری و امنیتی میان ایران و ایالات متحده آمریکا مستلزم حضور تعداد قابل توجهی از شهروندان آمریکایی در ایران شده بود. سفارت دولت آمریکا نخست در سال ۱۳۳۷ پس از امضای پیمان دفاعی دو جانبه با ایران در اسفند ۱۳۳۷ برای شهروندان آمریکایی مقیم ایران درخواست مصونیت قضایی کرد تا آنکه پس از وقوع چند واقعه که موجب دستگیری و محاکمه آمریکایی‌ها در ایران شد سفارت آمریکا در تهران در ۱۳۴۱ (در زمان نخست‌وزیری دکتر علی امینی) دادن کمک مالی به ایران را موکول به مصونیت آمریکایی‌ها از تعقیب جزایی در ایران دانست، برای پاسخگویی به این معضل دولت ایران کمیسیون ویژه‌ای از حقوقدانان ایرانی تشکیل داد. این کمیسیون متشکل از جواد کوثر، منوچهر آگاه و فرهنگ‌مهر نظر داد که تحمیل کاپیتولاسیون در ایران عملی نمی‌باشد، دکتر امینی نظریه کمیسیون حقوقدانان ایرانی را پذیرفت و آن را به سفارت آمریکا منعکس کرد.^۱

«پس از سقوط دکتر علی امینی و بر سرکار آمدن اسدالله علم، دولت آمریکا ادامه اعزام افسران و گروه‌بازان آمریکایی به ایران را مشروط به مصونیت اتباع آمریکا از محاکمه در دادگاه‌های ایران کرد دولت علم این بار و به خلاف دوران نخست‌وزیری دکتر امینی و برخلاف اصول حقوقی و سنت‌های دیپلماتیک به قبول این پیشنهاد تن در داد و کابینه هم در غیاب مجلس شورای ملی در ۱۳۴۲/۷/۱۳ تصویب نامه‌ای صادر کرد که هنگام تقدیم کنوانسیون وین (در خصوص مصونیت دیپلمات‌ها) به مجلسین ماده واحده‌ای ضمیمه آن کند تا به موجب آن، کارمندان هیأت‌های مستشاری آمریکا که در خدمت دولت ایران اند در ردیف کادر فنی و اداری دیپلماتیک قرار گرفته و لذا مشمول مصونیت‌های مندرج

۱. مهر - فرهنگ، ماجرای قرارداد کاپیتولاسیون، ره‌آورد ش ۲۵، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۷۸، چاپ ۱۳۸۲، دایرةالمعارف ایران‌شناسی ۱۳۸۲، ص ۶۶۵، به نقل از تاریخ حقوق ایران، پروفیسور سیدحسن امین.

در کنوانسیون وین باشند، وقتی که متن کنوانسیون مذکور به همراه این ماده واحده در ۴۲/۷/۱۴ به مجلس سنا رفت کنوانسیون تصویب شد ولی ماده واحده ناظر بر کاپیتولاسیون مطرح نشد، چون دولت علم در زمستان ۱۳۴۲ سقوط کرد. حسنعلی منصور نخست‌وزیر بعدی این ماده واحده را که مأموران نظامی آمریکایی را همانند دیپلمات‌ها و اعضای سفارت‌خانه‌ها از تعقیب جزایی در دادگاه‌های ایران مصونیت می‌بخشید به مجلس فرستاد - مهم‌تر آنکه محمدرضا شاه که در تیر ۱۳۴۳ به آمریکا سفر کرد در مذاکرات دوجانبه شخصاً متعهد شد که موجبات تصویب این مصونیت را برای شهروندان آمریکا فراهم کند، در حقیقت هم، شخص شاه به کمک حسنعلی منصور که نخست‌وزیر تحمیلی آمریکا بود این لایحه ننگین را نخست در مرداد ۱۳۴۳ با اکثریت فوق‌العاده کم از تصویب مجلس سنا و سپس در ۴۳/۷/۱۴ نوامبر ۱۹۶۴ با ۷۳ رأی موافق و ۶۳ رأی مخالف از تصویب مجلس شورای ملی گذرانید.^۱ آقای پروفیسور حسن امین در ذیل ص ۶۶۵ کتاب خود می‌نویسند: «تصویب لایحه در مجلس سنا بر اثر تبانی شریف امامی (رئیس مجلس سنا) با حسنعلی منصور (نخست‌وزیر وقت) صورت پذیرفت چرا که این موضوع حساس اصلاً به استحضار نمایندگان مجلس سنا نرسیده و به مثابه یک موافقت مالی کم‌اهمیت بین ایران و سفارت آمریکا معرفی شد»

همان‌طور که قبلاً به نظر خوانندگان رسید ترور منصور از نتایج تصویب این لایحه کاپیتولاسیون جدید بود و دیگر از آخرین آثار این لایحه یکی هم - ارسال نامه سرگشاده جمعی از روحانیون و فضایی حوزه علمیه قم خطاب به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت بود - که رونوشت آن را به دیوان عالی کشور فرستادند و در آن از دادن حق کاپیتولاسیون به آمریکا و تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه انتقاد شده بود.^۲ و اینک متن نامه:

۱. پروفیسور تاریخ حقوق ایران، صص ۶۶۴ - ۶۶۶.

۲. همان، ص ۶۶۶، به نقل از علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، دوران مبارزه، جلد اول ص ۳۶۱ تا ۳۶۳.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست‌وزیر

متأسفانه در سال‌های اخیر اقداماتی برخلاف قوانین اسلام و قانون اساسی در این کشور مذهبی انجام یافته که موجبات ناراحتی عموم طبقات را فراهم آورده و فاصله عمیقی بین ملت و هیأت حاکمه ایجاد کرده است. ملت و هیأت حاکمه باید متفقاً در پیشرفت و عظمت دین و تعالی کشور بکوشند و با اعتماد و حسن اطمینان به یکدیگر در زمینه واحدی فعالیت کنند. با کمال تأسف هر دولتی که روی کارآمد به جای آن که به این اختلاف خاتمه دهد آن را شدیدتر و احساسات ملت را علیه هیأت حاکمه برافروخته‌تر نموده است. ما نمی‌دانیم متصدیان امور چه فکری می‌کنند و در نظر دارند این مملکت را به کجا بکشانند؟ آیا در این مملکت به اصطلاح دینی و مشروطه، مردم حق هیچ‌گونه اظهارنظر در سرنوشت خود نباید داشته باشند؟ خفقان، محدودیت، سانسور، تفتیش عقاید از یک طرف، شکست اقتصادیات و تصاعد هزینه کمرشکن زندگی از طرف دیگر ملت را از پای درآورده و اگر کسی از وضع موجود اظهار نارضایتی کند، سیاه‌چال زندان و سپس حکم دادستانی ارتش زندگی تیره او را تیره‌تر می‌نماید. آخر در کدام گوشه جهان تا این حد فشار، اختناق، حبس، زجر، شکنجه و ترور افکار بر مردم حکومت می‌کند؟ در کدام کشور مراجع و زعمای دینی، سخن‌گویان مذهبی، روشنفکران، استادان دانشگاه، تجار و اصناف، بالاخره طبقات متفکر و فعال کشور حق اظهارنظر در شئون اجتماعی خود ندارند؟ در جهان امروز کجا معمول است عده‌ای مطلق‌العنان حاکم مطلق بر جان و مال و ناموس مردم باشند و کسی حق فریاد و تظلم نداشته باشد؟ در کدام گوشه دنیا سابقه دارد که یک مرجع دینی و زعیم فداکار ملی، با داشتن مصونیت و صلاحیت قانونی که از کشور خود دفاع می‌کند و می‌گوید نباید بیگانگان با اتکای به مصونیت مطلق بر مال و جان و

ناموس مردم تسلط داشته باشند، او را به اتهام ناجوانمردانه «قیام علیه مصالح کشور و تمامیت ارضی» تبعید و در مملکت دیگری زندانی و ممنوع‌الملاقات نمایند؟ آیا این قسم حکومت در بین ملل نیم وحشی آن هم در دوران حکومت فردی از پست‌ترین انواع حکومت‌ها شمرده نمی‌شده است؟

آقای هویدا! شما سری به زندان‌ها بزنید و بپرسید این اصناف مختلف زندانی: علما، وعاظ، استادان دانشگاه، دانشجویان، تجار و اصناف به چه جرمی مدت‌ها در زندان به سر می‌برند؟ آیا جز دفاع از حریم قرآن و عظمت کشور و تظلم از خفقان و دیکتاتوری جرمی داشته‌اند؟ آیا اگر کسی گفت نباید اسلام و قرآن مورد تهاجم واقع شود، کشور در چنگ بیگانگان افتد، ثروت‌های سرشار مملکت به یغما رود، اختناق و فشار بر مردم حکومت کند، دولت در تأمین خواسته‌های مردم باید کوشش نمایند، و بالاخره اگر کسی خواست با استفاده از حق قانونی خود در شئون کشورش اظهارنظر نماید، باید در سیه‌چال زندان زندگی کند و با محرومیت‌های همه جانبه دست به گریبان باشد؟ ما برای حفظ مصالح عالیة اسلام و کشور عزیز جداً می‌خواهیم به منظور پایان دادن به وضع خطرناک موجود و رفع اختناق و رفاه حال عامه مردم فکری کنید و به خواسته‌های مردم ترتیب اثر دهید. طبقات مختلف کشور بالخصوص علمای اعلام، بالاخص حوزه علمیه قم که مرکز هدایت و پرورش کشور است، منتظرند که هرچه زودتر به وضع موجود خاتمه داده شود و مخصوصاً در اسرع اوقات رهبر شیعیان، مرجع عالیقدر، حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله علی رؤس المسلمین را به قم عودت داده و سایر علما و دانشمندان، استادان محترم دانشگاه و دانشجویان و اصناف، تجار و متدینین را از زندان آزاد نموده و بیش از این نسبت به احساسات پاک و گرم مردم بی‌اعتنایی نشود.

موسی زنجانی - ابوالفضل النجفی الخونساری - علی قدیری اصفهانی - سیدعلی

خامنه‌ای - محمد محمدی - حسینعلی منتظری - علی قدوسی - اکبر هاشمی -
 ابراهیم امینی - احمد آذری قمی - محمدعلی گرامی - محمد علامی - یحیی
 انصاری شیرازی - ابوالقاسم خزعلی - مهدی فیض - عبدالعظیم محصلی - علی
 المشکینی - الاحقر عبدالرحیم الربانی الشیرازی، سیدیوسف حسینی تبریزی،
 سیدهای خسروشاهی، سیدابوالفضل میرمحمدی - حسین حقانی -
 الاحقرسیدمهدی حسینی لاجوردی - صادق خلخالی - ابوالقاسم مسافری - عباس
 محفوظی - هاشم تقدیری - علی احمدی - محمدحسین مسجدجامعی - علی اکبر
 مسعودی - محمد موحدی لنکرانی - اسماعیل صدر - احمد جنتی - احمد امامی
 - میرآقا موسوی زنجانی - یدالله پورهاشمی - محمد یزدی - نعمت‌الله صالحی
 نجف‌آبادی - مصطفی اعتمادی - سیدموسی شبیری زنجانی - مهدی الحسینی
 الروحانی - محمدحسین الحسینی اللنگرودی - محمد حقی - محمدباقر حسنی -
 محمدباقر [کذا] - احمد پایانی - عبدالله جوادی - محمدرضا توسلی - محمدتقی
 صدیقین - الشیخ محمدالهمدانی - محمدتقی مصباح یزدی - حسین نوری -
 حسین شب‌زنده‌دار - علی دوانی - علی اکبر موسوی.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳۶۱ - ۳۶۳.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی